



۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۷

May 21, 2018

تحلیل گفتمان دیپلماسی عمومی و رسانه ای ایران و آمریکا طی سال ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۳

عبدالرضا سعیدی نیا^۱

۱- کارشناس ارشد، علوم سیاسی

چکیده

دیپلماسی عمومی به دلیل افزایش نقش بازیگران متعدد در تعاملات بین المللی نسبت به دیپلماسی کلاسیک و سنتی جایگاه ویژه ای در نظام بین الملل یافته است. توسعه فناوری نوین اطلاعات ابزار دیپلماسی کلاسیک را که بر مبنای قدرت سخت بود تغییر داده و گستره جدیدی بنام سیاست هوشمند که از عناصر فرهنگی، رسانه ای، ورزشی، افکار عمومی، اینترنت، شبکه های اجتماعی تشکیل شده است را بر روی رهبران، سیاستمداران، خبرنگاران، دانشجویان و نهاد های دولتی و غیر دولتی باز کرده است. به جرات می توان گفت روزی نیست که فضای دیپلماسی عمومی و رسانه ای شکل گرفته بین دو کشور ایران و آمریکا دست مایه یک گزارش خبری، فیلم، مصاحبه، مستند، سرمقاله و تفسیر خبری در روزنامه ها، شبکه های خبری، رادیو و تلویزیون، نشریات داخلی و بین المللی و شبکه های اجتماعی اینترنتی نباشد. اگرچه روابط دو کشور فراز و نشیب های بسیاری را طی چند دهه اخیر پشت سر گذاشته است، معهذاً رویدادهای رسانه ای و تحولات سیاسی که طی ۲ سال اخیر شروع گردیده، بی سابقه می باشد. طی دو سال اخیر گفتمان شکل گرفته در زوایای پنهان و آشکار اکثر متون خبری، مصاحبه ها و فیلم های سینمایی و رویدادهای خبری که جهت اقناع افکار عمومی از سوی دو کشور منتشر می شود، قابل مشاهده است. آیا گفتمان جدید از حالت گفتمان هژمونیک سابق خود دور گشته و شکل جدیدی از آن در حال ظهور است

واژه های کلیدی: دیپلماسی عمومی، جمهوری اسلامی ایران، قدرت، خاورمیانه، نظام بین الملل

مقدمه

هنوز در عرصه رسانه های بین المللی خود، مخاطب را فارسی زبانان و ایرانیان مقیم جامعه آمریکا در نظر گرفته است و عدم تماس مستقیم رسانه ای با مخاطبان غیر ایرانی در جامعه آمریکا، باعث عدم درک صحیح افکار عمومی آنها در از واقعیت های ملی، مذهبی و سیاسی ما گردیده است و این موضوع تشدید کننده گفتمان ایران هراسی در نزد آنان شده است.

اهمیت و ضرورت انجام تحقیق

اگرچه در خصوص روابط سیاسی دو کشور ایران و آمریکا تحقیقات بسیار زیادی صورت گرفته اما رویکرد اصلی این تحقیقات از منظر اصول حاکم بر روابط بین الملل و علوم سیاسی می باشد. در چند سال اخیر دیپلماسی عمومی جایگاه ویژه ای در توسعه روابط سیاسی و فرهنگی کشورها با یکدیگر داشته است به همین دلیل موضوع دیپلماسی عمومی دست مایه تحقیق پژوهشگران زیادی در داخل و خارج قرار گرفته است. به عنوان مثال می توان به پایان نامه های دکتر و کارشناسی ارشد در خصوص تاثیر دیپلماسی فرهنگی، دیپلماسی رسانه ای ایران با کشورهای عربی و همسایه اشاره کرد.

معهذاً پژوهشی با عنوان تحلیل گفتمان دیپلماسی عمومی ایران و آمریکا با تاکید بر دیپلماسی رسانه ای و دیپلماسی فرهنگی تنها به چند مورد می توان اشاره کرد.

بدیهی است با توجه به تحولات اخیر بین دو کشور ایران و آمریکا که طی سه سال اخیر از نظر حجم پوشش خبری و رسانه ای بی سابقه می باشد. بازنمایی فضای حاکم بر گفتمان رسانه ای دو کشور از اهمیت و ضرورت بالایی برخوردار است. ایالات متحده آمریکا بعد از

روش تحقیق در این پژوهش تحلیل گفتمان می باشد که با استفاده از نظریات اندیشمندان این حوزه یعنی ساختارگرایی دوسوسور و پسا ساختارگرایی دریدا و نهایتاً میشل فوکو و لاکلاو و موفه سعی شده است مفهوم گسست گفتمانی و عدم پیوستگی تاریخی گفتمان در مولفه های دیپلماسی عمومی و رسانه ای دو کشور ایران و آمریکا بازنمایی و تحلیل گردد. به کمک نظریه گفتمان لاکلاو و موفه که مهمترین کار را در مطالعات سیاسی شناخت گفتمانها می دانند به مفهوم گسست گفتمانی و عدم قطعیت معنا در رویداد های سیاسی می پردازیم. از نظر آنها گفتمان، نظامی از معنا است که کنش و اندیشه های سیاسی در بستر آن شکل می گیرد. از دیدگاه لاکلاو و موفه گفتمانها ساختی سیاسی دارند هم خود مخلوق شرایط سیاسی اند و هم سیاست و کارگزاران سیاسی در قالب آن معنا و هویت می یابند. با توجه به این نظریات آنچه که از بازتاب رسانه ای و افکار عمومی دو کشور در دو سال اخیر مشاهده می گردد رویکرد کشور آمریکا در تاثیر گذاری افکار عمومی مردم ایران جدا از حکومت ایران، و از سوی کشور ایران گسست گفتمانی در سطح رسانه ای و افکار عمومی نسبت به دولت و مردم آمریکا می باشد. مخاطب دیپلماسی عمومی کشور ایران در رابطه با آمریکا، ملت آمریکا نمی باشد بلکه ایرانیان مقیم و فارسی زبانان می باشد در صورتیکه مخاطب اصلی دیپلماسی عمومی کشور آمریکا، مردم ایران جدا از دولت و رهبران سیاسی آنان می باشد. در واقع یکی از علل مهم عدم موفقیت ایران در تاثیر گذاری افکار عمومی مردم آمریکا همین نکته مهم می باشد که